

مقایسه‌ی سبکهای دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان عادی و دانش‌آموزان با اختلال یادگیری

سالار فرامرزی^۱، عباسعلی تقی‌پور جوان^۲، مصطفی دهقانی^{۳*}، محمدرضا مرادی^۲

چکیده

زمینه: پژوهش با هدف بررسی و مقایسه‌ی سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان پسر عادی و با اختلال یادگیری مقطع ابتدایی شهر طبس صورت گرفت.

روش: این مطالعه به صورت پس‌رویدادی (علی-مقایسه‌ای) انجام شد. بدین منظور ۳۰ نفر از مادران دانش‌آموزان عادی و ۳۰ نفر از مادران دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری با توجه به ملاک‌های ورود به پژوهش به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی سبک‌های دلبستگی هازن و شیور، و پرسشنامه‌ی شیوه‌های فرزندپروری بامریند استفاده شد. داده‌های به دست آمده با روش آماری تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: یافته‌ها نشان داد در دو سبک دلبستگی ایمن و ناایمن دوسوگرا بین دو گروه عادی و با اختلال یادگیری تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین در دو شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه و مقتدرانه بین دو گروه عادی و با اختلال یادگیری تفاوت معناداری دیده شد.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد که سبک دلبستگی ایمن مادران گروه عادی و سبک دلبستگی ناایمن دو سوگرای مادران گروه با اختلال یادگیری بالا بود. همچنین مادران گروه عادی در شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه و مادران گروه اختلال یادگیری در شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه نمرات بالاتری کسب نمودند. لذا می‌توان گفت که در آموزش و مشاوره به خانواده‌ها و این کودکان باید به ویژگی‌های روانشناختی مادران نیز توجه نمود.

واژگان کلیدی: سبک‌های دلبستگی، شیوه‌های فرزندپروری، اختلال یادگیری

۱-استادیار گروه روانشناسی کودکان استثنایی، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

تلفن و پست الکترونیک: ۰۹۱۳۳۱۶۶۲۷۵
salarfaramarzi@yahoo.com

۲-دانشجوی کارشناسی‌ارشد کودکان با نیازهای خاص، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

تلفن و پست الکترونیک: ۰۹۱۳۲۵۳۰۵۸۹
Abbas.javan.t@gmail.com

۳- عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، بوشهر، ایران.

تلفن و پست الکترونیک: ۰۹۳۹۵۱۱۱۰۱۷
mostafadehghani.iran@gmail.com

* نویسنده‌ی مسئول: مصطفی دهقانی؛ باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.
تلفن: ۰۹۳۹۵۱۱۱۰۱۷

mostafadehghani.iran@gmail.com

مقدمه

در ویرایش چهارم کتابچه‌ی تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-IV and Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders) اصطلاحات اختلال یادگیری ارائه شد. مشخصه اختلال یادگیری در کودک یا نوجوان عدم پیشرفت تحصیلی در زمینه‌ی خواندن، بیان نوشتاری یا ریاضیات در مقایسه با توانایی هوش کلی است. اختلالات یادگیری سبب می‌شوند که پیشرفت کودک کمتر از حد مورد انتظار بر اساس توان بالقوه و فرصت‌های آموزشی باشد. اختلالات یادگیری در حالی ۵ درصد کودکان سنین مدرسه را شامل می‌شود که اغلب سبب عدم موفقیت در تحصیل و در برخی موارد منجر به دل‌سردی، عزت نفس پایین، سرخوردگی مزمن و روابط ضعیف با همسالان می‌گردد (۱).

اولین بار در سال ۱۹۶۳ ساموئل کرک برای توصیف تمام نشانه‌های رفتاری کودک که ناشی از بدکاری مکانیسم‌های پردازش مرکزی است، اصطلاح ناتوانی یادگیری را پیشنهاد کرد (۲). تاکنون هیچ کس به طور کامل به علت ناتوانی‌های یادگیری پی نبرده است. در این رابطه نظریه‌های زیادی مطرح شده است. همیشه تشخیص دقیق گروهی از دانش‌آموزان به عنوان LD و گروهی دیگر به عنوان فاقد ناتوانی یادگیری آسان نیست. تقریباً همه ما در برخی از جنبه‌های زندگی‌مان ناتوانی یادگیری داریم. دانش‌آموزان در برخی تکالیف مدرسه مشکل دارند و در برخی دیگر موفق عمل می‌کنند (۳). کودکان زیادی هستند که علی‌رغم فقدان هرگونه مشکلات جسمانی و عاطفی از دشواریهای شدید یادگیری رنج می‌برند. گاهی اوقات چنین کودکانی به عنوان بیش فعال، دارای کژکاری یادگیری-مغزی، حداقل آسیب مغزی، نارسا خوان یا مبتلا به معلولیت ادراکی بر چسب می‌خورند.

کمیته مشاوره ملی کودکان معلول در آمریکا ناتوانی یادگیری را به این صورت تعریف می‌کند: کودکان LD در یک یا چند فرآیند روانی اساسی مانند درک و کاربرد

زبان نوشتاری و گفتاری اختلال نشان می‌دهند. اختلالها در گوش دادن، تفکر، گفتار، خواندن، نوشتن، هجی کردن و ریاضی نمود پیدا می‌کند و شامل شرایطی می‌شود که از آن به عنوان مشکلات ادراکی، آسیب مغزی، نارساخوانی، آفازی رشدی و غیره یاد می‌شود. این موارد مشکلات یادگیری را که اساساً ناشی از ناتوانی دیداری، شنیداری، حرکتی، عقب ماندگی ذهنی، آشفتگی هیجانی یا محرومیت های محیطی است، شامل نمی‌شود (۴).

اختلالهای یادگیری در کودکان، پیوند بین والدین و کودک را دستخوش تغییر می‌نماید، زیرا والدینی که کودک دارای اختلال یادگیری دارند، دچار مشکلات فراوانی می‌شوند و این موضوع رابطه مراقبتی و صمیمانه والد-فرزند را دستخوش مشکلات زیادی می‌کند (۵). ویتار (۶) نشان داد که بسیاری از مشکلات یادگیری در مدرسه می‌تواند پیش‌بینی کننده‌ی مشکلات قبل از مدرسه (چگونگی رفتار والدین، چگونگی پاسخ‌دهی آنها و...) باشد. از طرفی نتایج تحقیقات ادی، بروین، دکوی و میجن (۷) نشان می‌دهد که رفتارهای والدین در ارتباط با کودک می‌تواند نقش مؤثری بر تحصیل کودک داشته باشد.

غالباً کودکان دارای اختلال یادگیری متعلق به خانواده‌هایی هستند که در دوران رشد خود پیوندهای عاطفی لازم با والدین خود نداشته‌اند؛ به عبارت دیگر این کودکان از نظر ارتباطات عاطفی-روانی با پدر و مادرشان خاطرات و تجارب خوشایندی ندارند. آنها در بسیاری از موارد از سوی والدین مورد سرزنش، تحقیر، تهدید و احیاناً تنبیه بدنی واقع شده‌اند (۸). محققان همواره به تأثیرات مؤلفه‌های روانی بر جنبه‌های گوناگون زندگی افراد توجه بسیاری کرده‌اند که از این میان می‌توان به تأثیر این مؤلفه‌ها بر عملکرد تحصیلی، اجتماعی، عاطفی و... اشاره کرد (۹). کودکان دارای اختلالات یادگیری دارای مشکلات روانشناختی گوناگونی بوده و بر اعضای خانواده فشار روانی وارد می‌آورند که این فشار روانی می‌تواند زمینه

تغییر سبک دلبستگی و شیوهای فرزند پروری را فراهم آورد (۱۰-۱۲).

ماروین و پیانتا (۱۳) اظهار نمودند که نظریه دلبستگی، نظریه مفیدی برای درک و حل مشکلات کودکانی است که دارای اختلال یادگیری هستند. بدون شک نظریه دلبستگی یکی از برجسته‌ترین و مهم‌ترین دستاوردهای روانشناسی معاصر است (۱۴). پیوند عاطفی را که بین نوزاد و مادر پدید می‌آید، دلبستگی می‌نامند (۱۵-۱۷). به عبارتی دیگر دلبستگی را می‌توان به صورت الگوهای تفکر، احساس و رفتارهای شخصی در رابطه نزدیک با مراقب، شریک عاطفی و دیگر افراد صمیمی تعریف کرد (۱۸). بالبی برای رشد هیجانی و عاطفی انسانها به وجود دوره‌ای حساس متمایل بود و معتقد است که تجارب عاطفی در برخی مراحل زندگی ممکن است اثر حیاتی و طولانی مدت بر جای گذارد (۱۷). اگر چه در ایجاد پیوند دلبستگی میان مراقب و کودک ویژگی‌های مربوط به مراقب نقش مهمی دارد، اما برخی عوامل و ویژگی‌های مربوط به کودک نیز در تعیین دلبستگی مراقب-کودک حایز اهمیت است (۱۹). تفاوت‌های فردی افراد در سبک-های دلبستگی بر اساس دو بعد اضطراب و اجتناب به وجود می‌آید (۲۰).

سبک دلبستگی کودکان در دوران کودکی تغییر می‌کند زیرا توانایی‌های کودک و شیوه‌ی مراقبت او در دوران رشد تغییر می‌کند و این تغییر متأثر از رشد کودک و عوامل مربوط به جهان اطراف اوست (۲۱). زمانی که والدین متوجه نارساخوانی کودک می‌شوند، به دلیل تنش‌هایی که بر آنها وارد می‌شود، در کیفیت دلبستگی فرزندشان تغییراتی به وجود می‌آید. فقدان روابط صمیمانه، عدم تأیید، عدم پذیرش و رفتارهای غیرقابل انعطاف از ویژگی‌های چنین والدینی است. نتایج مشاهدات مستقیم حاکی از آن است که این کودکان در چنین خانواده‌هایی با والدینشان و نیز دیگران کنش متقابل منفی بیشتری به کار می‌برند (۲۲). تحقیقات متعددی وجود دارد که نشان

می‌دهد که دلبستگی در تبیین مشکلات هیجانی اجتماعی افراد مبتلا به اختلالات یادگیری نقش دارد (۲۳-۲۵). کودکان سنین مدرسه (۲۶، ۲۷)، بزرگسالان دارای اختلال یادگیری (۲۳) و کودکانی که در معرض اختلال یادگیری هستند (۲۵) به طور مشکوک دلبستگی ایمن کمتر و دلبستگی ناایمن بیشتری در مقایسه با کودکان عادی دارند (۱۴، ۲۸).

تردیدی نیست که خانواده و رفتار پدر و مادر اثرات مستقیم و مهمی بر تحصیلات کودک و ناتوانی‌های یادگیری و مهارت‌های زبان آنان دارد. پدر و مادر الگوها و ارزشهای جامعه خود را درست همان‌طور که توسط والدین، معلمان و به آنها تحمیل شده در کودک خود منعکس می‌کنند (۲۹). تأثیر هر یک از افراد و هر یک از روابط مثبت یا منفی اعضای خانواده از شدت و دوام زیاد برخوردار است (۳۰). شیوهای فرزند پروری را می‌توان مجموعه‌ای از رفتارها دانست که تعاملات والد-فرزند را در طول دامنه‌ی گسترده‌ای از موقعیت‌ها توصیف می‌کند (۳۱).

بامریند (۳۲) که مطالعات طولی برجسته‌های را با مشاهده‌ی تعامل‌های والدین با فرزندان خود انجام داد، شیوهای فرزند پروری را شامل رفتارهای گوناگون متنوع و بهنجار و طبیعی می‌داند (۳۳). بامریند دریافت که شیوه‌های مختلف فرزندپروری والدین در دو بعد با یکدیگر تفاوت دارند. بعد اول توقع و کنترل و بعد دوم پذیرندگی و اجابت‌کنندگی می‌باشد. ترکیب گوناگون دو بعد توقع/کنترل و پذیرندگی/اجابت‌کنندگی چهارشیوه‌ی فرزند پروری را به وجود می‌آورد که پژوهش بامریند بر سه شیوه آن متمرکز است: مقتدرانه (دموکراتیک)، مستبدانه و سهل‌گیرانه. چهارمین شیوه یعنی شیوه کناره‌گیر (مسامحه‌کار) را محققان دیگری مورد مطالعه قرار داده‌اند (۳۴). سبک مقتدرانه با پذیرش و روابط نزدیک، روش‌های کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب مشخص می‌شود. سبک مستبدانه از نظر پذیرش و روابط

از پژوهش‌ها و مطالعات انجام گرفته استنباط می‌شود که مادران دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری در زمینه-ی سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری با مادران دانش‌آموزان عادی تفاوت دارند. این پژوهش نیز با هدف بررسی و مقایسه‌ی سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری و مادران دانش‌آموزان عادی انجام گرفت. بدین منظور فرضیه‌هایی به شرح زیر مطرح شد:

(۱) بین سبک‌های دلبستگی مادران دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری و مادران دانش‌آموزان عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

(۲) بین شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری و مادران دانش‌آموزان عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

روش

از نظر روش شناسی، پژوهش فوق از نوع توصیفی است و از بین طرح‌های توصیفی روش علی-مقایسه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه‌ی پژوهش را کلیه‌ی مادران دانش‌آموزان پسر عادی و مبتلا به اختلال یادگیری مقطع دبستان شهر طبس که در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۹۰ مشغول به تحصیل بودند تشکیل می‌دهد. از بین مادران دانش‌آموزان عادی شهر طبس ۳۰ نفر و از بین مادران دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری نیز ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش برای مادران دانش‌آموزان با اختلال یادگیری عبارت بود از: ۱) داشتن حداقل تحصیلات رسمی در حد دیپلم ۲) داشتن فرزند با اختلال یادگیری در یکی از زمینه‌های خواندن، نوشتن و ریاضیات که این فرزند الف) هیچگونه اختلال روانی همراه نداشته باشد، ب) نقص حسی و جسمی خاصی نداشته باشد ج) اختلال وی به تأیید روانپزشک و روانشناس رسیده باشد د) عملکرد تحصیلی وی در یک یا چند درس در سطح

نزدیک پایین و از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین است. والدین با سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه روش مهرورز و پذیرا را نشان داده، متوقع نیستند و کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می‌کنند. این والدین به فرزندان خود اجازه می‌دهند تا در هر سنی که باشند خودشان تصمیم‌گیری کنند، حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشند (۳۵). بامریند دریافت که مطلوب‌ترین نتایج تحولی که سبب سازگاریهای مختلف در فرزندان در رشد همه جانبه آنان می‌شود، با شیوه فرزند پروری مقتدرانه والدین در ارتباط است (۳۶). مطالعات بروفی، هارت، دی ولف و برترز، فورمن و کچانسکا از یافته‌های بامریند در خصوص تأثیر شیوه‌های فرزند پروری بر رفتار فرزندان حمایت کرد (به نقل از برنز؛ ۳۶).

ناتوانی یادگیری و عوامل دیگری مانند ناتوانی در انجام تکالیف نوشتنی، حفظ کردن مطالب و ناکارآمدی ادراک همراه با حالت‌های عاطفی منفی به رفتارهای اجتنابی در کودکان منجر می‌شود (۳۷). پژوهشها به طور کلی نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری با متغیرهایی همچون پیشرفت تحصیلی (۳۸-۴۰)، عملکرد روانی-اجتماعی (۴۱) و یادگیری خود نظم داده شده (۴۲) در ارتباط است. مطالعه بون (۴۳) بیانگر اینست که پاسخدهی و تقاضاهای بالاتر که از ویژگی‌های فرزندپروری مقتدرانه است با پیشرفت تحصیلی فرزندان به طور معنادار در رابطه است. در مقابل پاسخدهی بالا و تقاضاهای پایین که از ویژگی‌های فرزندپروری مسامحه‌کارانه است با پیشرفت تحصیلی پایین فرزندان همبستگی دارد. بهمنی (۲۹) در پژوهش خود نشان داد که نمرات والدین در شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه بین دو گروه کودکان عادی و نارسانویس متفاوت است و والدین دانش‌آموزان عادی نمره‌ی بیشتری در این شیوه به‌دست آورده‌اند. به طور کلی بیشتر مادران کودکان دچار ناتوانی‌های یادگیری در مقایسه با مادران کودکان عادی از شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه استفاده می‌کنند (۴۴).

جدول ۱ شاخص‌های آماری سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان عادی و مبتلا به اختلال یادگیری را نشان می‌دهد.

یافته‌های جدول ۲ بیان می‌دارد که بین سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان عادی و مادران کودکان مبتلا به اختلال یادگیری در کل در سطح $P < 0/01$ تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین با توجه به مجذور اتا می‌توان گفت که ۶۲ درصد تفاوت دو گروه مربوط به سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری است و توان آزمون ($1/00$) نیز نشان دهنده کفایت حجم نمونه است.

اولین فرضیه‌ی پژوهش بیان می‌دارد که بین سبک‌های دلبستگی مادران دانش‌آموزان عادی و مادران دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین دومین فرضیه‌ی پژوهش بیان می‌دارد بین شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان عادی و مادران دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری تفاوت معناداری وجود دارد. پژوهشگران برای آزمون این دو فرضیه و بررسی دقیق تفاوت نمره‌های سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزند پروری مادران دانش‌آموزان عادی و مادران دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری از تحلیل واریانس چند متغیری (Monova) استفاده کردند که نتایج در جدول شماره ۳ گزارش شده است.

بر اساس یافته‌های جدول ۳ که نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (Manova) بر روی نمره‌های سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان عادی و مادران کودکان مبتلا به اختلال یادگیری را نشان می‌دهد، تفاوت بین نمرات سبک‌های دلبستگی دو گروه در خرده مقیاس‌های سبک دلبستگی ایمن و ناایمن دوسوگرا در سطح $P < 0/01$ معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت، بین نمرات سبک‌های دلبستگی دو گروه در خرده مقیاس‌های سبک دلبستگی ایمن و ناایمن دوسوگرا تفاوت معناداری وجود دارد. و بین ۱۶ تا ۴۷ درصد

پایین بوده باشد (به عبارتی ناهمترازی شدیدی بین عملکرد تحصیلی و توانایی‌های دانش‌آموز وجود داشته باشد). برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزارهای زیر استفاده شد:

۱- پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی هازن و شیور:

این پرسش‌نامه سه سبک دلبستگی ایمن، ناایمن و دوسوگرا را مورد سنجش قرار می‌دهد. این آزمون از ۱۵ سؤال تشکیل شده است. که هر سبک دلبستگی با ۵ سؤال سنجیده می‌شود. شیوه پاسخدهی به این آزمون به صورت لیکرت ۵ درجه‌ای (هرگز، ۰؛ به طور اتفاقی، ۱؛ گاهی اوقات، ۲؛ بیشتر اوقات، ۳؛ تقریباً، ۴) می‌باشد. هازن و شیور پایایی باز آزمایی کل این پرسش‌نامه را ۰/۸۱ و پایایی با آلفای کرونباخ را ۰/۷۸ به دست آوردند. در پژوهشی رحیمیان آلفای کرونباخ این آزمون را ۰/۷۵ گزارش نموده است. در پژوهش وی آلفای کرونباخ برای سبک دلبستگی ایمن ۰/۷۷، سبک دلبستگی نا ایمن اجتنابی ۰/۸۱، سبک دلبستگی ناایمن دو سوگرا ۰/۸۳، گزارش شده است.

۲- پرسش‌نامه فرزند پروری بامریند:

این پرسش‌نامه در سال ۱۹۷۲ توسط دایانا بامریند طراحی شد. این پرسش‌نامه شامل ۳۰ سؤال می‌باشد که هر ده سؤال یک شیوه‌ی فرزندپروری را می‌سنجد و بدین ترتیب سه شیوه فرزندپروری مقتدرانه، سهل گیرانه و مستبدانه اندازه‌گیری می‌شود. بون (۴۳) ضریب پایایی این پرسش‌نامه را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه مادران برای شیوه سهل گیرانه ۸۱/۰، شیوه مستبدانه ۰/۸۶ و شیوه مقتدرانه ۰/۸۸ گزارش نموده است.

نتایج

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. با توجه به طرح تحقیق و نوع فرضیه‌ها روش تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شده است که با استفاده از نرم‌افزار Spss داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

تفاوت‌ها با توجه به مجذور آتا قابل تبیین است. همچنین توان آزمون نشان‌دهنده کفایت حجم نمونه می‌باشد. اما تفاوت دو گروه در خرده مقیاس دلبستگی ناایمن اجتنابی در سطح $P=0/178$ معنا دار نمی‌باشد. همچنین تفاوت بین نمرات شیوه‌های فرزندپروری دو گروه در شیوه‌های فرزندپروری سهل گیرانه و مقتدرانه به ترتیب در سطح $P<0/02$ و $P<0/01$ معنا دار می‌باشد. به

عبارت دیگر می‌توان گفت بین نمرات شیوه‌های فرزندپروری دو گروه در شیوه‌های فرزندپروری سهل گیرانه و مقتدرانه تفاوت معناداری وجود دارد. و بین ۱۵ تا ۲۸ درصد تفاوتها با توجه به مجذور آتا قابل تبیین است و توان آزمون نشان دهنده کفایت حجم نمونه می‌باشد. اما تفاوت دو گروه در شیوه فرزندپروری مستبدانه در سطح $P=0/725$ معنا دار نمی‌باشد.

جدول ۱: شاخص‌های آماری سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان عادی و مبتلا به اختلال یادگیری

شاخصهای آماری متغیرها	تعداد	عادی		تعداد	اختلال یادگیری	
		میانگین	انحراف استاندارد		میانگین	انحراف استاندارد
دلبستگی ایمن	۳۰	۱۴/۲۰	۲/۶۹	۳۰	۱۰/۸۰	۲/۶۰
دلبستگی ناایمن اجتنابی	۳۰	۷/۳۶	۳/۲۷	۳۰	۸/۰۶	۳/۰۵
دلبستگی ناایمن دو سوگرا	۳۰	۵/۴۳	۳/۳۷	۳۰	۸/۳۳	۲/۶۳
شیوه سهل گیرانه	۳۰	۱۵/۰۰	۵/۰۶	۳۰	۱۹/۰۶	۳/۹۸
شیوه مقتدرانه	۳۰	۳۳/۸۶	۳/۱۱	۳۰	۲۶/۸۳	۷/۳۰
شیوه مستبدانه	۳۰	۱۷/۱۶	۵/۰۵	۳۰	۱۶/۷۰	۵/۱۶

جدول ۲: شاخص‌های آماری لامبداویلز سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان عادی و مبتلا به اختلال یادگیری

	لامبداویلز	F	سطح معناداری	مجذوراتا	توان آزمون
گروه	۰/۳۷	۱۴/۵۷	۰/۰۰۱	۰/۶۲	۱/۰۰

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (Manova) سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان عادی و مبتلا به اختلال یادگیری

شاخصهای آماری متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	آتا	توان آزمون
دلبستگی ایمن	۵۱۶/۲۶۷	۱	۵۱۶/۲۶۷	۵۱/۴۹	۰/۰۰۱	۰/۴۷	۱/۰۰
دلبستگی ناایمن اجتنابی	۱۳/۰۶	۱	۱۳/۰۶	۱/۸۶	۰/۱۷۸	۰/۰۳	۰/۲۶۹
دلبستگی ناایمن دو سوگرا	۱۰۴/۰۱	۱	۱۰۴/۰۱	۱۱/۳۵۷	۰/۰۰۱	۰/۱۶	۰/۹۱
شیوه سهل گیرانه	۲۴۸/۶۷	۱	۲۴۸/۶۷	۱۰/۴۷	۰/۰۰۲	۰/۱۵	۰/۸۸
شیوه مقتدرانه	۷۴۲/۰۱	۱	۷۴۲/۰۱	۲۳/۵۴	۰/۰۰۱	۰/۲۸	۰/۹۹
شیوه مستبدانه	۳/۲۶	۱	۳/۲۶	۰/۱۲۵	۰/۷۲۵	۰/۰۰	۰/۰۶

بحث

پژوهش با هدف بررسی و مقایسه‌ی سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری مادران دانش‌آموزان عادی و مادران دانش‌آموزان با اختلال یادگیری صورت گرفت. فرضیه اول پژوهش بیان می‌دارد بین سبک دلبستگی مادران دانش‌آموزان عادی و مادران دانش‌آموزان با اختلال یادگیری تفاوت وجود دارد. همان گونه که نتایج (جدول ۱ و ۳) نشان می‌دهد که سبک دلبستگی مادران کودکان با اختلال یادگیری نسبت به مادران کودکان عادی بیشتر سبک ناایمن دوسوگرا می‌باشد. این یافته‌ها با مبانی نظری پژوهش قابل تبیین است.

با توجه به یافته‌های تحقیقات مختلف به نظر می‌رسد که کودکان، نوجوانان و جوانان با نیازهای خاص به دلیل محدودیت‌های خود بیش از سایر افراد، مورد انواع بدرفتاری‌ها قرار می‌گیرند. از زمان تشخیص ابتلای کودک به ناتوانی‌های خاص یادگیری والدین متحمل انواعی از فشارهای روانی می‌شوند که سبب برهم خوردن آرامش و سازش یافتگی زندگی آنها می‌شود (۴۰). از طرفی مسائلی نظیر مزاج کودک، وابستگی معیوب و نارسا، سبک‌های دلبستگی والدین و فقدان مهارت‌های تربیتی والدین در ارتباط والد-کودک تأثیر به‌سزایی دارد. به وجود آمدن دلبستگی طبیعی بین مادر-کودک موجب بهداشت همه جانبه‌ی کودک از جمله بهداشت روانی او خواهد شد. از طرف دیگر فقدان دلبستگی مناسب بین مادر-کودک می‌تواند پیامدهای منفی رشدی برای کودک و جامعه داشته باشد. به گونه‌ای که حتی می‌تواند منجر به مشکلات روانپزشکی بعدی گردد (۴۱).

امروز در مشاوره و درمان خانواده یکی از مهمترین ویژگی‌های روانشناختی که مورد توجه قرار می‌گیرد، سبک دلبستگی والدین (همسران) می‌باشد که در ثبات و دوام خانواده نقش مهم و زیربنایی دارد. از طرفی تعامل والد-کودک نیز در رشد و تحول فرزندان مهم تلقی شده

است به گونه‌ای که عملکرد روانی، اجتماعی، جسمی و تحصیلی کودک را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

این در حالی است که کودکان دارای اختلال یادگیری به دلایلی در مهارت‌های شناختی (کارکردهای اجرایی) نقایص جدی داشته و در عملکرد تحصیلی نوعی ناهمخوانی بین مهارت‌های ایشان دیده می‌شود. برای بسیاری از والدین درک این نکته مشکل خواهد بود که کودک باهوش و توانمند در یک زمینه‌ی تحصیلی مشکل جدی داشته باشد. احساس‌های دوگانه و متضاد مثل عواطف والدی و نارضایتی از عملکرد کودک می‌تواند بر سبک دلبستگی والدین تأثیر داشته باشد.

فرضیه دوم پژوهش بیان می‌دارد که بین شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان عادی و مادران کودکان با اختلال یادگیری تفاوت وجود دارد. همان گونه که نتایج (جدول ۱ و ۳) نشان می‌دهد بین دو گروه در دو شیوه فرزندپروری مقتدرانه و سهل گیرانه تفاوت معناداری مشهود می‌باشد. این یافته‌ها با مبانی نظری پژوهش قابل تبیین می‌باشد.

پژوهشها به طور کلی نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری با متغیرهایی همچون پیشرفت تحصیلی (۳۸-۴۰)، عملکرد روانی-اجتماعی (۴۱) و یادگیری خود نظم داده شده (۴۷) در ارتباط است. علاوه بر این بون (۴۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که پاسخدهی و تقاضاهای بالاتر که از ویژگی‌های فرزندپروری مقتدرانه است با پیشرفت تحصیلی فرزندان به طور معنادار در رابطه است. در مقابل پاسخدهی بالا و تقاضاهای پایین که از ویژگی‌های فرزندپروری مسامحه کارانه است با پیشرفت تحصیلی پایین فرزندان همبستگی دارد.

نتایج این پژوهش نیز نشان داد که والدین کودکان دارای اختلال یادگیری با فرزندان خود با شیوه‌ی سهل گیرانه برخورد می‌کنند. آنچه که تاکنون در پژوهش‌ها نشان داده شده است، رابطه بین انتظارات والدین و

پژوهش ولی پیشنهاد می‌شود که این پژوهش روی سایر ویژگی‌های روانشناختی مادران دانش‌آموزان با اختلال یادگیری صورت گیرد. علاوه بر این مطلوب است پژوهشی نیز در زمینه‌ی سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های فرزند پروری مادران کودکان مبتلا به سایر اختلالات روانپزشکی با توجه به سن، جنسیت و عوامل روانشناختی صورت گیرد.

تشکر و قدردانی

از کلیه‌ی پرسنل زحمتکش مرکز اختلالات یادگیری بشارت شهرستان طبس که کمال همکاری را در جمع آوری داده‌ها با تیم تحقیق داشتند تشکر و قدردانی می‌نمایم.

عملکرد کودکان بوده است. هرچه انتظارات والدین از کودکان کمتر باشد عملکرد کودکان نیز ضعیف تر خواهد بود و هر چه انتظارات بیشتر باشد عملکرد کودک نیز بهبود خواهد یافت. اما باید توجه داشت که گاهی انتظارات بیش از حد والدین نیز می‌تواند آسیب‌زا باشد. به هر ترتیب والدین سهل‌گیر آنگونه که انتظار می‌رود بر رشد و پیشرفت کودکان خود نظارت ندارند و برای ایشان جنبه‌های مهم رشد خیلی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. لذا در تبیین این نتیجه با توجه به نتایج پژوهش‌ها می‌توان گفت که بی‌تفاوتی والدین نسبت به عملکرد کودکان موجب خواهد شد که کودکان کمتر به ناتوانی‌های خود در انواع مختلف عملکرد تحصیلی توجه نمایند و در حد مطلوب موفق به شناخت نقاط قوت و ضعف خود نشوند. اگرچه پژوهش محدودیت‌هایی نیز داشته است، از جمله محدودیت در نوع ابزار اندازه‌گیری و انتخاب نمونه

References

- 1-Sadock BJ, Sadock VA, Ruiz P. Kaplan & Sadock's comprehensive textbook of psychiatry. 9th ed. NewYork: Wolters Kluwer/Lippincott Williams & Wilkins; 2009.
- 2-Gillat O, Shaver P. Effects of attachment style and relationship context on selection among relational strategies. J Res Pers 2007;41:968-76.
- 3-Lokerson, J. Learning Disability. 2000; [11 screens]. Available at: URL: [http://www. LDonline.Org/Ld-indepth/general-info.html](http://www.LDonline.Org/Ld-indepth/general-info.html). Accessed Month Day, Year
- 4-FattahiAndil A. [The effect of teachers 'knowledge of learning disabilities on how to return feedback to students' educational and emotional reactions with learning disabilities]. J New Educ Sci 2007;3(7):143-160. [In Persian]
- 5-Singer GH. Meta-analysis of comparative studies of depression in mothers of children with and without developmental disabilities. Am J Ment Retard 2006;111(3):155-69.
- 6-Vitaro F. Linkages between early childhood, school success, and high school completion. 2005; [23 screens]. Available at: URL: <http://www.excellence-earlychildhood.com>. Accessed Month Day, Year.
- 7-Eddy H, Bruyn D, Dekovi M, Meijnen GW. Parenting, goal orientations, classroom behavior, and school success in early adolescence. J Appl Dev Psychol 2003;24:393-412.
- 8-Afroz GH. [An introduction of psychology and education of exceptional children]. 25th ed. Tehran: University of Tehran Press;2007. [In Persian]
- 9- Bauminger N, Kimhi-Kind I. Social information processing, security of attachment and emotion regulation in children with learning disabilities. J Learn Disabil 2008;41(4):315-32.
- 10-Veltman MWM, Browne KD. Three decades of child maltreatment research Implications for the School Years. Trauma Violence Abuse 2001;2(3):215-39.
- 11-Jalalifar S. Comparison of child abuse & its effect on normal children (Boys & girls) & children with special needs (Blind - Deaf) of secondary schools in Tehran city [dissertation]. Tehran: Islamic Azad University; 2006. [In Persian]
- 12-Money J. Child abuse: growth failure, IQ deficit, and learning disability. J Learn Disabil 1982;15(10):579-82.
- 13-Marvin RS, Pianta RC. Mother's reactions to their child's diagnosis: Relations with security of attachment. J Clin Child Psychol 1996;25(4):436-45.
- 14-Baezzat F, Eizadifard R, Peivastegar M. [Comparison of attachment styles between conduct disorder, dyslexic and normal students]. J Behav Sci 2009;3(3):231-6. [In Persian]
- 15-Bowlby J. Attachment and loss. Vol 3. New York: Basic Books; 1980.
- 16-Bowlby J. Attachment and loss. Vol 2. New York: Basic Books; 1973.

- 17-Bowlby J. Attachment and Loss. Vol 1. New York: Basic Books; 1969.
- 18-Bottonari KA, Roberts JE, Kelly MA, Kashdan TB, Ciesla JA. A prospective investigation of the impact of attachment style on stress generation among clinically depressed individuals. *Behav Res Ther* 2007;45(1):179-88.
- 19-Slonims V, McConachie H. Analysis of mother-infant interaction in infants with down syndrome and typically developing infants. *Am J Ment Retard* 2006;111(4):273-89.
- 20-Boris NW, Zeanah CH. Practice parameter for the assessment and treatment of children and adolescents with reactive attachment disorder of infancy and early childhood. *J Am Acad Child Adolesc Psychiatry* 2005;44(11):1206-19.
- 21-Liberman A. Infant-parent psychotherapy with toddlers. *Dev Psychopathology* 1992;4:559-74.
- 22-Teti D, Gelfand D, Messinger DS, Isabella RA. Maternal depression and the quality of early attachment: An examination of infants, preschoolers and their mothers. *Dev Psychol* 2002;31(3):364-76.
- 23-Smith P, McCarthy G. The development of semi-structured interview to investigate the attachment-related experiences of adults with learning disabilities. *Br J Learn Disabil* 1996;24(4):154-60.
- 24-Cann W, Rogers H, Matthew J. Family intervention service program evaluation: a brief report on initial outcomes for families. *Aust e-J Adv Ment Health* 2003;2(13):1-8.
- 25-Yagon M. Children at risk for learning disorders: multiple perspectives. *J Learn Disabil* 2003;36(4):318-35
- 26-Yagon M, Mikulincer M. Patterns of close relationships and socioemotional and academic among school-age children with learning disabilities. *Learn Disabil Res Pract* 2004;19:12-9.
- 27-Al-Yagon M, Mikulincer M. Socioemotional and academic adjustment among children with learning disorders: The meditational role of attachment-based factors. *J Spec Educ* 2004;38(2):111-23.
- 28- Wilson CL, Rholes WS, Simpson JA, Tran S. Labor, delivery, and early parenthood: An attachment theory perspective. *Pers Soc Psychol Bull* 2007;33(4):505-18.
- 29-Bahmani T. [Comparison of Parents' parenting style and writing ability in girl's student with writing disability and normal fourth grade of elementary school]. *Except Educ* 2008;87:14-21. [In Persian]
- 30-Goldberg H, Goldberg T. *Counseling Today's Family*. 3rd ed. New York: Brooks/Cole; 2000.
- 31-Alizadeh H, Andries C. Interaction of Parenting styles and attention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents. *Child Fam Behav Ther* 2002;24(3):37-52.
- 32-Baumrind D. The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *J Early Adolescence* 1991;11(1):56-95.
- 33-Darling N, Steinberg L. Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin* 1993; 113(3):487-496.
- 34-Berk LE. *Child Developments*. 5th ed. New York: Brooks/Cole; 2002.
- 35- Diaz Y. Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children [dissertation]. Maryland: Univ Maryland; 2005.
- 36-Berns RM. *Child Family, School, Community: Socialization and Support*. New York: Wadsworth Publishing Company; 2006.
- 37-Sharifi Daramadi P. [Diagnosis, and treatment of mental disorders, motor]. Tehran: Ravansanji Publication; 2001. [In Persian]
- 38-Steinberg L, Elmen JD, Mounts NS. Authoritative parenting, Psychosocial maturity, and academic success among adolescents. *Child Dev* 1989;60(6):1424-36.
- 39-Dornbusch SM, Ritter PL, Leiderman PH, Roberts S, Fraleigh MJ. The relation of parenting style to adolescent school performance. *Child Dev* 1987;58(5):1244-57.
- 40-Steinberg L, Dornbusch SM, Brown BB. Ethnic differences in adolescent achievement. An ecological perspective. *Am Psychol* 1992;47(6):723-9.
- 41-Lamborn SD, Mounts NS, Steinberg L, Dornbusch SM. Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. *Child Dev* 1991;62(5):1049-65.
- 42- Huang J, Larry P. Chinese parenting styles and children's self-regulated learning. *J Res Childhood Educ* 2004;18(3):227-38.
- 43-Boon HJ. Low and high-achieving Australian secondary school students: Their Parenting, Motivations and academic achievement. *Aust Psychol* 2007;42(3):212-25.
- 44-Manavi Shad M, Danesh E, Khoshabi K, Tavakkoli H. Anger levels in children's mother with learning disabilities and normal In their parenting style And its impact On children's self-concept [dissertation]. Tehran: Univ Shahid Beheshti; 2009. [In Persian]

«Original Article»

Comparison of attachment styles and child rearing in parenting mothers of normal students and students with learning disabilities

Salar Faramarzi¹, Abbasali Taghipour Javan², Mostafa Dehghani^{3*}, Mohammad Reza Moradi²

1-Assistant Professor, Department of Psychology, School of Educational Science and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

2-MA Student of Children With Special Needs, School of Educational Science and Psychology Memberet, Isfahan, Iran.

3-Young Researchers Club Elite, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

Abstract

Background: This study has been conducted with the purpose of investigation and comparison between the attachment styles and mothers of child rearing in ordinal elementary students and the elementary students with learning disorder in the city of Tabas.

Methods: The current study has been carried out in causal-comparative (reason-comparative) way. Mothers of 30 ordinal students and 30 mothers of students with learning disorder were selected with the consideration of research purpose and multi-level sample methodology. Data was collected using questionnaire of attachment styles of Hazen and Shiver, and the questionnaire of child rearing styles of Bamerind have been implemented. The obtained data have been analysed in statistical Multivariate Analysis of Variance.

Results: the results of the study indicated that in two secure and insecure styles of ambivalent attachments between two groups of ordinal students and the students of learning disorder, there is a significant difference. There is a significant difference in two styles of easy-going and confident child rearing between two groups of ordinal and learning-disorder students as well.

Conclusion: the results of the study shows that the secure attachment style of ordinal mothers and the insecure attachment style of ambivalent mothers of learning disorder were high. Besides, the mothers of ordinal group in confident child-rearing style and the mothers of learning disorder group in easy-going child rearing style have obtained high scores. In summary it can be claimed that in training and counseling of families and these children, the psychological factors of mothers should be considered.

Keywords: attachment styles, child rearing styles, learning disorder.

*Corresponding Author:
Mostafa Dehghani; Young
Researchers Club Elite, Bushehr
Branch, Islamic Azad University,
Bushehr, Iran.
Tel:09395111017
Email:mostafadehghani.iran@gmail.com

► Please cite this paper as:

Faramarzi S, Taghipour Javan AA, Dehghani M, Moradi MR. The Investigation and comparison between the attachment styles and mothers of child rearing in ordinal students and students with learning disorder. *Jentashapir* 2013;4(3): 245-254

Received: 01.01.2013

Accepted: 14.04.2013

دو ماهنامه علمی - پژوهشی جنتاشاپیر، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ۳، سال ۱۳۹۲

<http://journals.ajums.ac.ir/jentashapir>